

دیپلماسی اقتصادی ایران در آسیای میانه ۱۳۹۶-۱۳۸۴

علیرضا کوهکن^۱، محمدعلی رحیمی نژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

چکیده

با توسعه ارتباطات و شکل‌گیری جامعه جهانی اصولاً نباید ظرفیتی برای کشورها ناشناخته مانده و مورد توجه نباشد. ظرفیت‌های اقتصادی گوناگون در کشورهای مختلف، دلیلی برای همکاری و در پیش گرفتن دیپلماسی فعال با تکیه بر مزیت‌های نسبی می‌باشد. شناخت ظرفیتهای بالقوه در عرصه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای آسیای میانه یکی از فرصت‌های مهم برای پیشرفت اقتصادی کشور است. در همین راستا در این پژوهش به بررسی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ پرداخته شده است. سوال اصلی نوشتار چگونگی دیپلماسی اقتصادی ایران با کشورهای آسیای میانه از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ بوده است. در مقابل برای پاسخگویی به این سوال فرضیه اصلی عبارت است از اینکه دیپلماسی اقتصادی ایران با کشورهای آسیای میانه آسیای میانه از سال ۱۳۸۴-۱۳۹۶ دارای نگاه مقطعی و کوتاه مدت و فاقد برنامه بلندمدت، مدون و راهبردی و متأثر از جهت‌گیری‌های سیاسی و غیراقتصادی بوده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر داده‌های کمی و مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. نتیجه این پژوهش داشتن رویکرد و دیدگاه قطبی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ بوده است که منجر به داشتن نگاه مقطعی و عدم استفاده مطلوب از ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی گردیده است.

واژه‌گان کلیدی: دیپلماسی اقتصادی، آسیای میانه، دولت نهم و دهم، دولت یازدهم، جمهوری اسلامی ایران.

koohkan@atu.ac.ir

۱- استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ali.rahimi0872@gmail.com

مقدمه

یکی از مناطق که با ایران در ارتباط است، آسیای میانه و کشورهای آن است؛ این کشورها شامل ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان هستند که از زمان استقلال با کشورمان در زمینه های مختلف دارای ارتباط بوده اند. کشورهای آسیای میانه به دلیل دارا بودن منابع نفت و گازی و همچنین موقعیت ژئواستراتژیک محل رقابت قدرت هایی چون آمریکا، روسیه و چین بوده اند. هم اکنون این منطقه برای کشورهای ترکیه، هند و عربستان نیز در کنار ایران، مهم تلقی می شود. عدم اتصال به راه های دریایی و تجارت دریایی از محدودیت های کشورهای آسیای میانه محسوب می شود.

از سیاست های متداول در دنیای امروز استفاده از تحریم، مخصوصا در بعد اقتصادی است که بی توجهی بدان می تواند موجودیت کشورها را تحت تاثیر قرار دهد. در زمینه اهمیت و هم پوشانی اقتصاد و سیاست نظریات مختلف از جمله لیبرالیسم، رژیم ها، کارکرد گرایی و وابستگی متقابل مطرح شده است که در این پژوهش با استفاده از این نظریه وابستگی متقابل به دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای میانه پرداخته شده است.

دیپلماسی اقتصادی مجموعه ای از اقدامات (هم در مورد روش ها و هم فرایندهای تصمیم گیری بین المللی) است که با فعالیت های اقتصادی برون مرزی نقش آفرینان دولتی و غیردولتی در جهان واقع ارتباط دارد. این فعالیت های اقتصادی شامل سرمایه گذاری، صادرات، واردات، قرض دادن، کمک و اعانه، مهاجرت و ... می شوند" (ون برژیک، ۱۳۹۴: ۶۴-۶۲). نحوه ارتباط و دیپلماسی با کشورهای آسیای میانه تاثیرات فراوان و در ابعاد مختلف برای کشورمان دارد. یکی از ابعاد مهم دیپلماسی اقتصادی است که دارای

تأثیرات مختلف بر کشورمان بوده است. دیپلماسی اقتصادی ما با کشورهای آسیای میانه دارای نقاط ضعف و قوت فراوان بوده است که فهم آنها می‌تواند ما را در ایجاد ارتباط مطلوب جهت دستیابی بهتر به منافع ملی یاری نماید.

طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ شاهد روی کار آمدن دولت احمدی نژاد با شعار «عدالت طلبی» بودیم و از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نیز شاهد روی کار آمدن دولت روحانی با شعار «اعتدال» بودیم؛ مطالعه و فهم چگونگی ارتباط این دو دولت که دارای تفاوت‌های بسیار در زمینه سیاست‌گذاری اقتصادی بوده‌اند، می‌تواند ما را به فهمی مطلوب در راستای چگونگی ارتباط با کشورهای آسیای میانه یاری نماید. در واقع ما در این نوشتار به دنبال تبیین و شناسایی نقاط ضعف و قوت دو دولت کشورمان با کشورهای آسیای میانه جهت بهره‌گیری از فرصت‌ها در عرصه دیپلماسی اقتصادی هستیم. علاوه بر این شناسایی و استفاده از ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی در ارتباط با کشورهای آسیای میانه می‌تواند به توسعه اقتصادی بیشتر کشور کمک نماید.

پیش از پرداختن به «باید»‌های دیپلماسی اقتصادی، فهم «هست»‌ها، اهمیت به سزایی دارد. پرداختن به چگونگی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۴-۱۳۹۶ به همین دلیل بررسی شده است. پی بردن به چگونگی ارتباط با کشورهای آسیای میانه و چرایی آن، یا همان تشخیص مسئله می‌تواند کمک‌کننده تصمیم‌گیران کشور برای عملکرد بهتر برای شکوفایی بهتر اقتصاد کشور با استفاده از ابزار دیپلماتیک، فراهم نماید. در ادامه به برخی از مهمترین پژوهش‌های انجام شده و مرتبط با موضوع پایان نامه اشاره شده است.

کتاب دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ ارزیابی ۲۵ سال روابط اقتصادی ایران و جمهوری‌ها پس از استقلال» در این اثر، نویسندگان (دهقانی فیروزآبادی و پاک دامن جامی) که در آن بر دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی در دوران پس از استقلال این کشورها و علل و عوامل اولویت یافتن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم در این منطقه و شناسایی موانع و چالش‌های گسترش روابط با این کشورها تمرکز نمودند. وجه تمایز نوشتار پیشرو بررسی روند رویکرد دو دولت متفاوت در قبال کشورهای آسیای میانه (۱۳۸۴-۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی و پرداختن به فرصتهای موجود بین ایران و کشورهای آسیای میانه در قالب دیپلماسی اقتصادی است.

ایران با کشورهای آسیای میانه دارای اشتراکات فراوان و ارتباطی تاریخی است. چگونگی رفتار (کنش و واکنش) دیپلماسی اقتصادی ایران با کشورهای آسیای میانه نقشی بسیار مهم در پیشرفت کشور در دارد. در این راستا بررسی رفتار دولت‌ها و نحوه ارتباط آنها با کشورهای آسیای میانه نقشی تعیین کننده دارد. در تحقیق پیشرو به رفتار سیاست خارجی کشورمان در بُعد اقتصادی با کشورهای آسیای میانه از سال ۱۳۸۴-۱۳۹۶ پرداخته شده است.

با توجه به نکات فوق سوال اصلی این نوشتار چگونگی دیپلماسی اقتصادی ایران با کشورهای آسیای میانه از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ بوده است. در مقابل برای پاسخگویی به این سوال فرضیه اصلی عبارت است از اینکه دیپلماسی اقتصادی ایران با کشورهای آسیای میانه آسیای میانه از سال ۱۳۸۴-۱۳۹۶ دارای نگاه مقطعی و کوتاه مدت و فاقد برنامه بلندمدت،

مدون و راهبردی و متأثر از جهت‌گیری‌های سیاسی و غیراقتصادی بوده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بوده است.

اجزای این نوشتار شامل ادبیات پژوهش، دیپلماسی اقتصادی ایران در دولت نهم و دهم، دیپلماسی اقتصادی ایران در دولت یازدهم و نتیجه‌گیری است که در ادامه بدان پرداخته شده است. لازم به ذکر است در قسمت ادبیات پژوهش به مفهوم دیپلماسی اقتصادی و وابستگی متقابل اقتصادی پرداخته شده است.

ادبیات پژوهش

پیش از پرداختن به موضوع اصلی نوشتار ارائه تعاریف از مفاهیم مورد استفاده ضرورت دارد. مفهوم اول این نوشتار «دیپلماسی» است در تعریف سنتی، دیپلماسی هنر به کارگیری هوش و تدبیر در هدایت روابط رسمی میان حکومت‌های مستقل است که بیانگر نقش محوری و اولیه دستگاه سیاست خارجی دولت‌های ملی در اجرای دیپلماسی می‌باشد. (گور بوت، ۱۹۷۹: ۳). دیپلماسی، از دوران دولت‌های اولیه تا عصر حاضر مسیر طولانی و پرفراز و نشیبی را در بستر زمان طی کرده و در این فرآیند با تحولات و دگرگونی‌های اساسی در کارکردها و شیوه‌های اجرایی مواجه شده است، اما ماهیت آن به عنوان ابزاری در خدمت سیاست جهانی یا فرایند ارتباطی واحدهای سیاسی کم و بیش ثابت مانده است (وایت، ۱۳۸۳: ۷۱۵-۷۱۴).

مفهوم دیگر این نوشتار «دیپلماسی اقتصادی» است که ریشه دیپلماسی اقتصادی را باید در روابط گسترده تجاری بین مصر باستان و مناطق غرب آسیا در سال‌های ۱۲۲۰ تا ۱۴۶۰ پیش از میلاد مسیح و نیز در آغاز و گسترش استعمار، پس از کشف هند توسط

واسکودوگاما در سال ۱۴۹۸ میلادی جستجو کرد (کیشان، ۲۰۰۰: ۱۲۷-۹۶). در عصر حاضر، بازیگران جدیدی نظیر شرکت‌ها و فعالان اقتصادی، یا اتحادیه‌های چندگانه فراملی به عنوان دیپلمات‌های اقتصادی در کنار دیپلمات‌های رسمی وارد حوزه سنتی دیپلماسی شده‌اند و با به کارگیری ابزارهای نوین دیپلماسی تلاش می‌کنند به گونه‌ای موثرتر به تامین منافع ملی کشورشان کمک کند (موسوی شفایی، ۱۳۸۸: ۸۹-۸۸). تفاوت دیپلماسی اقتصادی امروز با شکل سنتی این است که دیپلماسی اقتصادی امروز برخلاف دیپلماسی سنتی به مناسبات سیاسی بر مبنای مناسبات و ارجحیت‌های اقتصادی اولویت می‌دهد. (طلایی، ۱۳۸۸: ۲۲۳). با توجه به اهمیت دیپلماسی اقتصادی و کاربست اصلی نوشتار براساس آن، در ادامه به طور تفصیلی بدان اشاره شده است

۱- دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی در ابتدای قرن بیست و یکم از دو وجه مهم برخوردار شده است. نخست، اکنون دیپلماسی برای نخستین بار کاملاً چهرهای جهانی در تاریخ بشر دارد و دیگر تمایزات ایدئولوژیک موجب جدایی بازیگران از یکدیگر نمی‌گردد. دوم، دیپلماسی چهره‌ای بسیار متنوع و پیچیده به خود گرفته است (Baylis and Smith, 2005: 256). دیپلماسی اقتصادی در عصر جهانی شدن یکی از مهمترین شاخص‌های ارزشمند و مناسب برای فهم پتانسیل‌ها، ضعف‌ها و مقاصد یک دولت توسعه‌یافته یا در حال توسعه به شمار می‌رود. در حقیقت دیپلماسی اقتصادی منافع اقتصادی دولت‌ها را در خارج از کشور و در اقتصاد جهانی گسترش می‌دهد و ضمن استفاده از ابزارهای مختلف در جهت دستیابی به منافع اقتصادی، پیوندی بین قدرت و رفاه ایجاد می‌کند (موسوی شفایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۵). کشورهایی که در عرصه سیاست خارجی رویکرد توسعه‌گرا در پیش گرفته‌اند،

ناگزیر بایستی دارای دیپلماسی اقتصادی پویایی باشند و تلاش کنند در تأمین اهداف اقتصادی خود در عرصه بین‌المللی از کلیه ابزارها و پتانسیل‌ها از جمله ظرفیت اقتصادی استفاده کنند. امروزه در کنار دیپلماسی اقتصادی، از اصطلاحات مختلفی همانند دیپلماسی مالی، دیپلماسی تجاری، دیپلماسی بازرگانی نیز استفاده می‌شود. دیپلماسی اقتصادی جدید چارچوبی است که بر اساس سه کشمکش استوار است: کشمکش بین سیاست و اقتصاد، فشارهای داخلی و خارجی و کشمکش میان حکومت و دیگر نیروها. در واقع دیپلماسی اقتصادی پاسخی به چالش‌های نوظهور ناشی از جهانی‌شدن، تصمیم‌گیری داخلی و همکاری فزاینده بین همه بازیگران درگیر است (Bayne and Woolcock, 2010: 94).

اغلب کشورهای در حال توسعه تمایل دارند دیپلماسی اقتصادی را مجزا از دیپلماسی سیاسی در نظر بگیرند و در عمل تعداد معدودی از کشورهای در حال توسعه از چارچوب نهادینه برای پرداختن به روابط تجاری بهره گرفته‌اند (صالحی، ۱۳۹۲: ۴۲۸). در مقابل، کشورهای پیشرفته سال‌هاست به اهمیت این موضوع پی برده و به صورت تخصصی به دیپلماسی اقتصادی می‌پردازند. تعاریفی که در مورد دیپلماسی اقتصادی وجود دارد، علی‌رغم برخی تفاوت‌های ظاهری، عمدتاً مفهوم یکسانی دارند. برخی در تعریف دیپلماسی اقتصادی آورده‌اند؛ دیپلماسی اقتصادی شامل اقدامات رسمی دیپلماتیکی است که بر افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارد. (Baranay, 2009: 2) برخی دیگر، دیپلماسی اقتصادی را فرآیندی می‌دانند که از طریق آن کشورها به دنیای بیرون وصل می‌شوند تا منافع ملی را در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر مبادلات سودآور اقتصادی در ابعاد دو و چندجانبه منطقه‌ای به حداکثر برسانند (Rana, 2007: 29). در تعریفی دیگر، دیپلماسی اقتصادی به مفهوم

کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصاد و به کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشورها، به کار گرفته شده است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲). بنابر آنچه بیان شد، دیپلماسی اقتصادی با موضوع سیاست‌های اقتصادی سر و کار دارد و دیپلمات‌های اقتصادی نیز به نظارت بر سیاست‌های اقتصادی سایر کشورها مشغول هستند. همچنین، در دیپلماسی اقتصادی می‌توان از منابع اقتصادی به عنوان پاداش و تنبیه در جهت اهداف سیاست خارجی بهره برد (Saner and Yiu, 2003: 3-4). در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از ابزار قدرتمند دیپلماسی اقتصادی جهت تعامل بیشتر با اقتصاد جهانی بهره گرفته و از مواهب آن برخوردار می‌گردند. این دیپلماسی در بردارنده ویژگی‌های زیر است:

۱. تقدم ملاحظات اقتصادی بر ملاحظات سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک
 ۲. درک و پذیرش تحولات اقتصادی جهانی و برنامه‌ریزی، جهت سازگاری بیشتر با آن
 ۳. تبدیل چالش‌ها و بحران‌ها به فرصت‌ها
 ۴. بهره‌گیری هرچه بیشتر از ابزار و توانایی‌های اقتصادی موجود در تعاملات دوجانبه و چندجانبه.
 ۵. برقراری ارتباط با واحدهای اقتصادی و مالی بین‌المللی و بهره‌گیری از قدرت آنها در چانه‌زنی‌های بین‌المللی و تلاش برای ایجاد نهادهای اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و برقراری ارتباط با نهادهای مشابه در مناطق دیگر؛
- بدون تردید، کارآمدی این رهیافت در مورد کشورهای مختلف یکسان نیست. کشورهایی که از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی بیشتری نظیر وجود منابع استراتژیک، بازار گسترده، سیستم اقتصادی بازار آزاد، وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر،

دسترسی به کانال‌های ارتباطی بین‌المللی، موقعیت جغرافیایی و استراتژیک و غیره برخوردار باشد، در اجرای این رهیافت به لحاظ سرعت و کارآمدی موفق‌تر خواهد بود. همچنین دولت‌ها، علی‌رغم داشتن امکانات متنوع داخلی و امکان دستیابی به مزیت‌های بین‌المللی، باید الزامات گوناگون در دستیابی به اهداف و منافع ملی را نیز در نظر بگیرند. برخی الزامات رفتاری جهت دستیابی به اهداف در دیپلماسی اقتصادی عبارتند از؛

۱. توجه به عرف و هنجارهای بین‌المللی و ضرورت تعامل با اقتصاد جهانی برای تحقق توسعه.

۲. پیگیری اهداف از طریق اقناع و مجموعه‌سازی

۳. از بین بردن تصویر امنیتی و پرهیز از رویکرد تقابلی و دشمن‌آفرینی

۴. همکاری در ایجاد و هدایت فرآیندهای منطقه‌ای

۵. ارائه تعریف جامع از خود در محیط بین‌المللی و کانونی کردن مجموعه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در پیگیری و تعقیب اهداف ملی (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۰).

با گسترش توجه به دیپلماسی اقتصادی در کشورها، تعریف فعالیت‌ها، اهداف، استراتژی و تسهیل امکانات در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت و هر چند محتوای دیپلماسی اقتصادی بر اساس امکانات و ابزارها متفاوت است با این وجود، اهداف در بیشتر کشورها یکسان می‌نماید که به طور کلی توجه به گسترش روابط اقتصادی با دولت‌های دیگر، نهادهای بین‌المللی، گسترش روابط حوزه‌های توریسم، سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی از اهداف عمده این دیپلماسی است که موارد زیر را می‌توان به آن اضافه نمود؛

۱. کمک به همگرایی سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها با راهبردها و اهداف سیاست خارجی

۲. بسط خرد جمعی و افزایش همکاری‌های بخش خصوصی و دولتی جهت مدیریت

دیپلماسی اقتصادی

۳. سازماندهی و هماهنگی در حوزه سیاسی

۴. تسهیل کمک‌های مالی و گسترش فعالیت‌های تجاری.

۵. کمک به تقویت کمیسیون‌های اقتصادی جهت شناخت فرصت‌های اقتصادی برای افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تمرکز فعالیت‌ها، تفکرات و تصمیم‌گیری در زمینه موضوعات روابط اقتصادی (امینی و انعامی‌علمداری، ۱۳۸۸: ۱۶۱). در مجموع می‌توان بر اساس کارکردهای فوق، وظایف اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین نهاد درگیر در حوزه مناسبات و دیپلماسی اقتصادی را به شرح زیر دسته‌بندی کرد؛

۱. حمایت از منافع اقتصادی جمهوری اسلامی و متناسب با اهداف توسعه‌ای کشور از طرق مختلف از جمله تماس با موسسات بازرگانی و انجام مذاکرات با مقامات بازرگانی و اقتصادی کشور هدف به منظور فراهم آوردن زمینه مناسب برای عقد قراردادهای تجاری بین‌المللی.

۲. ایجاد تسهیلات لازم در برقراری کانال روابط بین‌تجار ایران و بازرگانان کشورهای هدف.

۳. مراقبت دائم و جمع‌آوری اطلاعات از مرکزیت قدرت‌های اقتصادی در کشور هدف و ارسال آن به مراکز تصمیم‌گیری.

۴. جذب توریسم، گسترش صنعت توریسم و کمک به گسترش جهانگردی (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و راهبردهای سیاسی، اقتصادی و تجاری کشورهای دیگر جهت، ایجاد شرایط و محیط مناسب خارجی برای توسعه اقتصادی. بنابراین، هدایت و مدیریت دگرگونی‌ها و تحولات اقتصادی-تجاری برای ساخت فرصت‌های اقتصادی و تجاری مطلوب جهت فراهم ساختن توسعه و امنیت اقتصادی یکی از مهمترین بایسته‌های سیاست خارجی توسعه‌گرا می‌باشد.

۲- وابستگی متقابل اقتصادی

نظم فعلی جهانی ناشی از رویکرد و نظم لیبرالیسم است که بر آزادسازی اقتصادی تاکید دارد. برای نمونه سازمان‌های مهم از جمله سازمان ملل و بانک جهانی، صندوق توسعه را می‌توان برآمده از نظم لیبرال دانست که نقشی مهم در ساختار نظام جهانی دارد. نگاه لیبرالی باعث شد که حوزه‌های تجاری و مالی بعد از انقلاب صنعتی رشد یابد و تا الان ادامه داشته باشد. شاید روسیه و چین را بلوکی ضد لیبرالیسم به‌شمار آورد، اما باید اذعان داشت که این‌گونه دولت-ملت‌ها در چارچوب اقتصاد آزاد و نظم لیبرال بازی کرده‌اند. در این میان اما، نظم لیبرالی که نقش بی‌بدیلی در حکمرانی جهانی داشته دارای افول و قدرت‌یابی بوده است که بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی را می‌توان نمونه‌ای از یک نوع تضعیف رویکردی لیبرالی دانست که در حوزه‌های مالی و تجاری غرب در حکمرانی جهانی ظهور پیدا کرد. در حال حاضر یک جواب واحد که بگوییم؛ حکمرانی جهانی چیست، نداریم. تعارض بین نظریات بیش از آن است که به یک نقطه اشتراک برای تعریف این مفهوم داشته باشیم (قوام و بهرامی، ۱۳۹۲: ۲۹).

عملکرد نئولیبرالیسم در عرصه تجاری و اقتصادی بین‌الملل به نحوی طراحی شد که ضمن ایجاد وابستگی کشورها در عرصه بین‌الملل، هزینه‌های تجارت را به حداقل رسانده و با سازوکار نظارتی امکان پیشگیری از تقلب و سواری رایگان را فراهم کند. این فرایند اگرچه مورد قبول کشورهای کمونیستی و دولت‌های اقتدارگرا نبود اما با شکست بلوک شرق این راهبرد گسترش یافته و تجارت بخش عظیمی از کشورها را تحت تاثیر قرار داد. یکی از مشتقات لیبرالیسم و موارد اصلی در ایجاد ارتباط و تداوم همکاری شورها ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی است که در ادامه بدان پرداخته شده است.

ریشه اولیه فکری نظریه وابستگی متقابل را می‌توان در مطالعات مربوط به همگرایی منطقه‌ای یافت که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد کرد و نظریه‌پردازان آن کوشیدند تا فرآیندهایی را نشان دهند که از طریق آنها وحدت سیاسی دولت‌های مستقل سیاسی امکان‌پذیر بود (Kegley and Wigtkoph, 1989: 25). از طرف دیگر فرد هالیدی معتقد است که نظریه وابستگی متقابل ریشه در اندیشه انترناسیونالیستی دارد. ساده‌ترین وجه انترناسیونالیسم گویای این مطلب است که ما جزئی از اجتماعی پهناورتر از ملت-کشور هستیم و باید باشیم. بر مبنای تفکر انترناسیونالیستی، امور دنیا، اعم از روندهای اقتصادی، ارتباطات و حساسیت فرآیند جوامع، بین‌المللی شده و در پرتو این اصل، همکاری میان دولت‌ها بیشتر شده و در عین حال، این همکاری خصلت معیاری و اخلاقی بیشتری یافته و تفاهم، رفاه، صلح، آزادی و مفاهیمی از این دست رواج بیشتری می‌یابند (Halliday, 1988: 22).

اصطلاح وابستگی متقابل که ارتباط نزدیکی با نظریه نظام‌ها دارد برای تشریح روابط در نظامی بین‌المللی به کار می‌رود که به قول دیوید سینگر «نظامی اجتماعی است که بیش از

اجتماع انسان‌ها نیست، انسان‌هایی که آنقدر به هم وابسته‌اند که در سرنوشت مشترکی با هم سهیم شده‌اند و یا اینکه اعمال بعضی از آنها بر زندگی برخی دیگر تأثیر می‌گذارد» (Dougherty and Pfaltzgraff, 1990: 132). مصداق این مورد را می‌توان در روابط جمهوری اسلامی ایران به وضع مشاهده کرد، تا جایی که کنش‌های هر کدام از طرفین در مسائل بین‌المللی با واکنش سایر کشورها همراه بوده است.

کوهن و نای وابستگی متقابل را به طور کلی رابطه‌ای ناشی از نیاز دو جانبه تعریف می‌کنند که تا حدی آسیب‌پذیری دو جانبه نیز بین بازیگران وجود دارد. در حالی که در رابطه وابستگی روابط نامتقارن است. آنها بین وابستگی متقابل و همچنین ارتباط متقابل نیز با وارد کردن مفهوم آسیب‌پذیری تفاوت قائل می‌شوند (Keohane and nay, 1987: 12). از طرفی نظریه وابستگی متقابل مبتنی بر سلسله اصولی است که به طور خلاصه عبارتند از: تعدد کانال‌های برخورد و تماس میان جوامع، افزایش تعداد بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل و در نتیجه کاهش نقش دولت‌ها به عنوان تنها بازیگر، کاهش نقش نیروی نظامی در روابط بین‌الملل، افزایش حس امنیت از طریق وابستگی متقابل هسته‌ای و در عین حال انتقال حوزه رقابت میان دولت‌ها از بعد نظامی به اقتصادی، عدم وجود سلسله مراتب در دستور کار سیاست خارجی و تفوق میان سیاست‌های اقتصادی در این برنامه و افزایش تعاون و همکاری در میان کشورها و ... (Keohane and nay, 1987: 8).

وابستگی متقابل اصولاً نظریه‌ای است که بر اساس آسیب‌پذیری دو جانبه تعریف می‌شود. رابطه‌ای که در صورت گسست، هزینه‌های زیادی را برای هر دو طرف به بار می‌آورد. در واقع کوهن و نای نیز با این برداشت موافقت می‌کنند که باید «تصور ساده‌انگارانه را کنار بگذاریم که وابستگی متقابل افق‌های نوینی را فراروی ما می‌گشاید و همه منازعات

بین‌المللی را از میان می‌برد». این اظهار نظر نشان می‌دهد که وابستگی متقابل هزینه‌های زیادی را در زمینه‌های گوناگون بر کشورها تحمیل می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که اگر مبادلات متضمن آثار پر هزینه متقابل و نه لزوماً متقارن باشند، وابستگی متقابل وجود دارد، ولی اگر تعاملات کشورها آثار پر هزینه چندانی در بر نداشته باشند صرفاً با پیوند متقابل موجه هستیم. بنابراین روابط مبتنی بر وابستگی متقابل همواره متضمن هزینه‌اند، چرا که استقلال عمل را محدود می‌سازند (Keohane and nay, 2001: 10). نکته دیگر در این نظریه، تقارن میان طرفین است که سبب نفوذ یکی بر دیگری می‌شود. بر همین اساس کشورهای وابسته، در صورتی که فاقد عوامل و مزیت‌های جغرافیایی تعادل‌بخش و متوازن‌کننده باشند در وضع ضعف قرار گرفته، سیاست خارجی آنها منفعل شده و منافع و اهداف ملی‌شان نیز با چالش و تهدید مواجه می‌شود (Hafeznia, 2006: 147).

در راستای وابستگی متقابل، ایران از طریق خشکی (ترکمستان) و آبی (دریای خزر) با کشورهای آسیای مرکزی ارتباط دارد. موقعیت و ویژگی‌هایی جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به شکلی است که با یکدیگر دارای نوعی وابستگی ژئوپلیتیکی هستند. که شامل وابستگی منافع و اهداف ملی یک کشور یا بازیگر سیاسی به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و بازیگران سیاسی دیگر است. این وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

به طور کلی پیش فرض‌های نظریه وابستگی متقابل را می‌توان این گونه دسته‌بندی نمود:

۱. رابطه‌ی معکوسی بین تعدد کانال‌های ارتباطی و نقش انحصاری دولت در نظام بین‌الملل وجود دارد.

۲. وجود کانال‌های ارتباطی مختلف سبب کاهش خشونت در روابط می‌شوند.

۳. در وابستگی متقابل اهداف دولت‌ها متنوع‌تر و مسائل رفاهی و اقتصادی بیشتر در دستور کار قرار می‌گیرند.

۴. در روابط وابستگی متقابل نامتقارن، دولتی که کمتر وابسته است می‌تواند از این عدم تقارن برای چانه‌زنی بیشتر استفاده کند و ترس دولت ضعیف از بدتر شدن وضعیت منجر به تقویت این رابطه نابرابر می‌شود (صباغیان و سروستانی، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

از منظر وابستگی متقابل، ایران به دلیل همجواری جغرافیایی و پیوندهای فرهنگی، تاریخی با کشورهای منطقه آسیای میانه از یک سو و برخورداری از سابقه حکومتداری، تجربه غنی از بهره‌برداری از منابع انرژی، و دارا بودن راه‌های مواصلاتی و خطوط ریلی، از سویی دیگر، از امتیازی خاص و موقعیتی برتر در مقایسه با دیگر رقبای همکاری‌های دو جانبه و چندجانبه با این کشورها برخوردار است. از سوی دیگر با تحقق طرح اتصال سواحل مکران به افغانستان و دسترسی کشورهای آسیای میانه به تجارت دریایی شاهد وابستگی بیشتر این کشورها با جمهوری اسلامی ایران خواهیم بود؛ بطوریکه با بالا رفتن مراودات اقتصادی و نیاز این کشورها به سواحل مکران جهت تجارت، جمهوری اسلامی ایران از وابستگی کمتری برخوردار بوده و توان بیشتری جهت تحقق خواسته‌های خود را دارا خواهد بود. از زمان استقلال کشورهای آسیای میانه تا سال ۲۰۰۴، ایران، ۲۹۸ موافقتنامه، یادداشت تفاهم و پروتکل با این جمهوری‌ها منعقد نمود. از این میان، ۱۹۲ سند

در مورد روابط اقتصادی و همکاری‌های اقتصادی بوده است. بر اساس این واقعیت، همکاری اقتصادی ایران با کشورهای آسیای مرکزی در سطحی متقابل گسترش یافت. امروزه شواهد علمی گسترده و اجتماعی نیز گردآوری شده است که نشان دهنده تاثیر فراگیر وابستگی متقابل، نهادهای بین المللی و دموکراسی در کاهش منازعات دارد. (Jervis, 2002)

همچنین براساس کتاب «مثلث صلح» بروست و اونیل صلح برآیند سه سطح دیگر از وابستگی متقابل، نهادهای بین المللی و دموکراسی هستند که بر یکدیگر تاثیرات متقابل داشته و ثمره این فرایند صلح بیشتر است. (Russett and Oneal, 2001: 67). با پی بردن به مطالب فوق درباره وابستگی متقابل اقتصادی و دیپلماسی اقتصادی به ارائه عملکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ در این زمینه پرداخته شده است.

دیپلماسی اقتصادی دولت نهم و دهم در آسیای میانه

پیش از پرداختن به عملکرد دیپلماسی اقتصادی دولت نهم و دهم در قبال آسیای میانه، مروری اجمالی بر عملکرد دولت‌های قبل ضرورت دارد. در راستای اهداف گفتمان ژئوپلیتیک، جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اول پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی تلاش کرد توجه به همسایگان حوزه جنوبی شوروی سابق را با اتخاذ سیاست "نگاه به شمال" در دستورکار قرار دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۱۵). در این مسیر، تامین منافع اقتصادی بر بستری از مناسبات دوستانه سیاسی و فرهنگی دنبال گردیده است. قبل از اعلام استقلال این کشورها، وزیر امور خارجه وقت ایران از جمهوری‌های آسیای مرکزی بازدید کرد. با تسریع روند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اعلام استقلال جمهوری‌های

آسیای مرکزی در دسامبر ۱۹۹۱، ایران جزو اولین کشورهایی بود که جمهوری‌های مستقل نوظهور را به رسمیت شناخت و تا اواسط سال ۱۹۹۲ سفارتخانه‌های خود را در اغلب این کشورها دایر کرد (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۵۹). ابتکارات دیپلماتیک ایران، زمینه همکاری عملی و سازنده بین ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی را گسترش داد و راه تماس‌های مستقیم و برقراری روابط رسمی را با آنها باز کرد. در فوریه ۱۹۹۲ (بهمن ۱۳۷۱) رهبران پنج جمهوری آسیای مرکزی، آذربایجان و افغانستان و دو کشور همسایه قدیمی ایران یعنی ترکیه و پاکستان به دعوت ایران با هدف عضویت این جمهوری‌ها در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و ارتقاء سطح همکاری‌ها در اولین نشست سران اگو در تهران شرکت کردند.

در حاشیه این اجلاس نشست غیررسمی سران کشورهای ساحلی دریای خزر نیز برگزار و ایران پیشنهاد غیرمترقبه خود را در زمینه تاسیس سازمان همکاری کشورهای ساحلی خزر ارائه کرد. از آن پس، علاوه بر توسعه همکاری‌ها در اگو و آغاز اولین گام‌ها برای همکاری در خزر، روابط دو جانبه ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی نیز وارد مرحله جدیدی شد. سفرهای متعدد سران و مقامات عالی رتبه سیاسی و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و ایران طی دهه ۹۰ میلادی منجر به امضای تعداد زیادی توافقنامه همکاری اقتصادی و تجاری گردید و ایران عزم خود را برای ارائه کمک‌های مالی و فنی و آموزش نیروی انسانی این کشورها مورد تاکید قرار داد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۲۴). حجم رفت و آمدها و تاکید بر همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌ای، الگویی جدید از رفتار سیاست خارجی ایران را به نمایش گذاشت که برخی از تحلیلگران مسائل منطقه از آن به "دوره عمل‌گرایی و همکاری" ایران در آسیای مرکزی یاد کرده‌اند (هرزیک، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

در زمینه روابط اقتصادی دوجانبه با توجه به میزان دوری و نزدیکی (جغرافیایی) کشورهای آسیای مرکزی با ایران، سطح مشترکات فرهنگی و تاریخی فی مابین و سیاست‌های حاکم بر این کشورها، نحوه و میزان همکاری با هر کدام از آنان نیز متفاوت بوده است. برای ایران در وهله اول، روابط با کشورهای همسایه و هم مرز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است. از این روی، نقش ترکمنستان و تا حدودی قزاقستان در اجرای طرح‌های مشترک حمل و نقل و ترانزیت برای اتصال کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی به بازارهای جهانی از طریق ایران بسیار حائز اهمیت است. علاوه بر این، قزاقستان و ترکمنستان کشورهای ساحلی دریای خزر محسوب می‌شوند و دارای ذخایر انرژی قابل توجهی هستند. لذا همکاری در زمینه سوآپ نفت و گاز با این دو کشور بخشی از دیپلماسی انرژی ایران را در منطقه تشکیل می‌دهد. تاجیکستان نیز، اگرچه فاصله جغرافیایی بیشتری با ایران دارد و از ظرفیت اقتصادی چشم‌گیری بهره نمی‌برد ولی زبان رسمی آن فارسی بوده و به همین لحاظ از اولویت ویژه‌ای برای ایران برخوردار است. شرکت‌های بخش خصوصی و دولتی ایران در زمینه‌های صدور خدمات فنی و مهندسی و اجرای طرح‌های مشترک در تاجیکستان همکاری نزدیکی دارند و طی دهه ۸۰ شمسی و سال‌های اولیه دهه ۹۰ شمسی طرح‌های سرمایه‌گذاری بزرگ و کوچک زیادی را در تاجیکستان به اجرا در آوردند که از آن جمله می‌توان به سرمایه‌گذاری ۲۲۰ میلیون دلاری در ساخت سد و نیروگاه آبی سنگ توده و طرح ۳۱ میلیون دلاری ساخت تونل انزاب اشاره کرد. تا سال ۱۳۹۳ بیش از ۳۰۰ شرکت ایرانی در تاجیکستان فعال بودند. ازبکستان و ایران دارای مرز مشترک نیستند، اما ازبکستان پرجمعیت‌ترین کشور منطقه است و به همین دلیل بازار مناسبی برای صادرات کالاهای ایرانی محسوب می‌شود. در عین

حال اشتراکات زیاد فرهنگی و تاریخی نیز بین دو کشور وجود دارد. این کشور در دو دهه گذشته رویکرد خود را به روابط با ایران به طور عمده به حمل و نقل ریلی محدود کرده و پنبه یکی از کالاهای مهم صادراتی ازبکستان است که از طریق راه آهن ایران به بازارهای جهانی ترانزیت می‌شود. قرقیزستان دورترین کشور آسیای مرکزی است که در مقایسه با سایر جمهوری‌ها، ضعیف‌ترین حلقه ارتباط اقتصادی با ایران را تشکیل می‌دهد.

دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲-۱۳۸۴

در سال ۱۳۸۴ شاهد روی کار آمدن دولت نهم با شعار عدالت‌خواهی بودیم. رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و دیپلماسی اقتصادی کشورمان برگرفته از گفتمان انقلابی گری و مقابله با غرب بود. در همین راستا شاهد تلاش بیشتر دولت نهم و دهم برای رونق مبادلات اقتصادی با کشورهای همسایه و بطور خاص آسیای میانه بودیم.

برای شناسایی اهداف، اصول و راهبردهای سیاست خارجی و به تبع آن دیپلماسی اقتصادی در دوره احمدی نژاد، بهترین راه رجوع به منشور یا برنامه این دوره می‌باشد که در بندهای (۸-۲) منشور دولت، تحت عنوان «راهکارهای سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» به آن اشاره شده است. از مطالعه آن منشور می‌توان موارد زیر را استخراج نمود:

اهداف: اهداف سیاست خارجی ایران را می‌توان به دو دسته اهداف ملی و اهداف ایدئولوژیک تقسیم کرد:

اهداف ملی: ۱. ارتقای نقش ایران در عرصه‌های جهانی؛ ۲. بسط توسعه تجاری، اقتصادی و منطقه-ای ایران؛ ۳. اعتمادسازی جهانی؛ ۴. تنش زدایی و تهدیدزدایی.

اهداف ایدئولوژیک: ۱. تشکیل قطب جهان اسلام در نظام چند قطبی آینده؛ ۲. مبارزه با ناامنی، جنگ و تحقیر ملت‌ها؛ ۳. مقابله با یکجانبه گرایی؛ ۴. مبارزه با نظام تک قطبی و امپراتوری نظام سلطه جهانی؛ ۵. مبارزه با استعمار فرانو و با ترفندهای نظام سلطه جهانی (www.persident.ir).

اصول: منظور از اصول، ملاک‌ها و معیارهایی است که راهنما و مبنای عمل مجریان و تصمیم‌گیرندگان است. اصول سیاست خارجی دولت نهم را شاید بتوان در سه اصل عدالت طلبی، صلح طلبی و مهرورزی خلاصه کرد. چنان که رییس جمهور در جایی سه عنصر عدالت خواهی، صلح طلبی و تهدید زدایی را سه اصل مهم سیاست خارجی دولت نهم اعلام کرده است. همچنین وزیر امور خارجه وقت سه اصل عدالت خواهی، مهرورزی و خدمت رسانی را اصول مهم سیاست خارجی ایران اعلام کرده است (رنجبر، ۱۳۸۵: ۷).

راهبردها: جهت دستیابی به اهداف فوق، دولت مربوطه راهبردهای زیر را ضروری می‌دانست: ۱. اتخاذ دیپلماسی فعال و موثر در سیاست خارجی؛ ۲. برقراری و تداوم روابط بین الملل بر اساس عزت، حکمت و مصلحت؛ ۳. تعامل سازنده و موثر با جهان امروز؛ ۴. پیگیری سیاست تنش زدایی و تهدید زدایی؛ ۵. استفاده از فرصت‌های بین المللی و منطقه‌ای؛ ۶. گسترش همکاری با کشورهای اسلامی، ۷. تقدم نگاه منطقه‌ای در روابط بین الملل؛ ۸. رعایت اولویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (جهان اسلام، حوزه خلیج فارس، حوزه خزر و آسیای میانه، حوزه پاسیفیک، اروپا)؛ ۹. مبارزه همه جانبه با تروریسم؛ ۱۰. حرکت در جهت تبیین و مقابله با استعمار نو؛ ۱۱. مبارزه با ترفندهای نظام سلطه جهانی؛ ۱۲. گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیر متعهد بر اساس منافع و مصالح نظام اسلامی.

در توضیح و تحلیل بیشتر مطالب فوق می‌توان اذعان کرد که بیشترین نوآوری و تغییراتی که در این برنامه مطرح شده، یکی مسلط شدن اهداف ایدئولوژیک بر منافع ملی و دیگری مقابله و مبارزه با نظام سلطه جهانی است که در چارچوب گفتمان «اصول‌گرایی عدالت محور» قابل تجزیه و تحلیل است و به نوعی یادآور گفتمان آرمان‌گرایی «سال‌های اول انقلاب اسلامی است. در آن زمان، جمهوری اسلامی ایران نظام بین‌الملل موجود را نظامی ناعادلانه می‌دانست و درصدد تجدیدنظر در هنجارها، مقررات و نهادهای درون آن، دفاع از آرمان‌های اسلامی، ایجاد کانون‌های مقاومت در برابر هژمونی جهانی به منظور دگرگون ساختن پایه‌های قدرت‌های ظالم و روابط ظالمانه جهانی، استکبارستیزی و بیداری ملل مستضعف، بیداری ملل مسلمان جهان و همچنین انگاره «نه شرقی نه غربی» بود. در این دوره نیز جمهوری اسلامی ایران، نظام بین‌الملل را نظام ناعادلانه می‌داند که مهمترین وجه مشخصه آن یکجانبه‌گرایی، ناامنی، جنگ و تحقیر ملت‌ها است و دولت جمهوری اسلامی ایران باید با اتخاذ دیپلماسی فعال و بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت و اتخاذ راهبردهایی چون عدالت، صلح و عزت، به مبارزه با این یکجانبه‌گرایی و ترفندهای نظام سلطه جهانی پرداخته و با بهره‌گیری از راهبرد تعامل سازنده با جهان، گسترش همکاری با کشورهای اسلامی و کشورهای غیر متعهد، نظام بین‌الملل موجود را اصلاح، و در غیر این صورت نابود سازد. تنها تفاوت عمده این دوره با دوره قبل تغییر انگاره «نه شرقی، نه غربی» به رویکرد «نگاه به شرق» و «نگاه به جنوب» است (منصوری مقدم و اسمعیلی، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۲۸۵).

بطور کلی، گفتمان «اصول‌گرایی عدالت محور» که تکوین دهنده و قوام بخش هویت جمهوری اسلامی ایران است، نقش‌های گوناگونی را برای دولت ایران در عرصه بین‌المللی

تعریف کرده است. نقش‌هایی چون دولت عدالت گستر و ظلم ستیز، عامل ضد سلطه، ضد امپریالیسم صهیونیسم، استکبارستیز، سنگر انقلاب و جنبش‌های رهایی‌بخش، مدافع اسلام و تشیع، همیار در اتحاد و همگرایی جهان اسلام، مرکز جهان اسلام، دولت تجدیدنظر طلب، شالوده‌شکن، مستقل فعال و حامی جنبش‌های آزادیبخش. به تبع همین هویت، منافع و اهداف ملی ایران نیز بر حسب ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول اسلامی و انقلاب اسلامی تعریف شده است (دهقانی، ۱۳۸۷: ۷۹). نتیجه مفاهیم فوق در عمل شکل‌گیری راهبرد شالوده‌شکن در قبال نظام بین‌الملل بوده که نتایج زیر را در عرصه مبادلات اقتصادی با کشورهای آسیای میانه دربر داشته است:

ترکمنستان: ترکمنستان از بدو استقلال تاکنون روابط خوب و دوستانه‌ای با ایران داشته است. در واقع، ایران و ترکمنستان با داشتن ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک آبی و زمینی، اشتراکات فرهنگی، تاریخی فراوان و روابط خوب سیاسی ظرفیت‌های همگرایی و همکاری زیادی با یکدیگر دارند (سنایی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). در نمودار زیر به میزان صادرات و واردات کشورمان با ترکمنستان پرداخته شده است.

سال	ارزش واردات ایران از ترکمنستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به ترکمنستان (دلار)
۱۳۸۸	۴۰۳،۶۹۵،۶۵۹	۳۵۷،۵۳۵،۷۳۱
۱۳۹۲	۱۲،۷۷۲،۴۰۷	۸۵۸،۶۱۸،۸۶۰

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

صادرات و واردات از کشور ترکمنستان در این دوره، روندی افزایشی را نسبت به دوره قبل وجود داشت ولی به علت نگاه مقطعی دولت حاضر و دولت قبل در "گرایش به دول غربی"، روابط مستحکم و راهبردی شکل نگرفت.

ازبکستان: با توجه به توجه ازبکستان به گسترش روابط و مبادلات دو کشور بویژه در حوزه بازرگانی از یک سو می توان بخش راه آهن و ترانزیت را با توجه به نیاز و محصور در خشکی بودن ازبکستان گسترش بسیار داد و با رویکردهایی چون راه اندازی قطار مسافرتی ایران- ازبکستان، افزایش تعداد کشورهای قرارداد عشق آباد و بنیان دالان ازبکستان- ترکمنستان- ایران- عُمان، افزایش روابط حمل و نقلی با ایران، تلاش و کوشش دو سویه در بهره برداری از پروژه خط آهن سراسری افغانستان به نفع هر سه کشور (ایران، ازبکستان و افغانستان) همکاری ها را توسعه داد. در نمودار زیر به میزان صادرات و واردات ایران با ازبکستان پرداخته شده است.

سال	ارزش واردات ایران از ازبکستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به ازبکستان (دلار)
۱۳۸۸	۱۴۰،۸۴۱،۲۸۷	۶۶،۰۲۳،۰۳۵
۱۳۹۲	۱۴۰،۷۲۳،۲۸۳	۱۰۱،۶۰۲،۲۴۶

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

براساس آمار ارائه شده دولت نهم و دهم در راستای مخالفت با سیستم اقتصادی و سیاسی نظام بین الملل روابط تجاری خود را گسترش دادند اما روابط استراتژیکی شکل نگرفت. تاجیکستان: شرکت های بخش خصوصی و دولتی ایران در زمینه های صدور خدمات فنی و مهندسی و اجرای طرح های مشترک در تاجیکستان همکاری نزدیکی دارند و طی دهه ۸۰ شمسی و سال های اولیه دهه ۹۰ شمسی طرح های سرمایه گذاری بزرگ و کوچک زیادی را در تاجیکستان به اجرا درآوردند که از آن جمله می توان به سرمایه گذاری ۲۲۰ میلیون دلاری در ساخت سد و نیروگاه آبی سنگ توده و طرح ۳۱ میلیون دلاری ساخت تونل انزاب اشاره کرد.

در سال ۲۰۱۱ میلادی بین دو کشور ایران و تاجیکستان حدود ۲۰ سند مهم همکاری در زمینه بازسازی و تکمیل تونل استقلال تاجیکستان، امضاء سند احداث نیروگاه برق آبی عینی به قدرت ۱۳۰ مگا وات، مذاکرات درباره احداث خط فشار قوی انتقال برق از تاجیکستان، افغانستان به ایران بودیم، که این خود حکایت از همکاری‌های فزاینده بین دو کشور در زمینه اقتصادی است. در نمودار زیر به میزان صادرات و واردات کشورمان با تاجیکستان پرداخته شده است.

سال	ارزش واردات ایران از تاجیکستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به تاجیکستان (دلار)
۱۳۸۸	۴۹،۷۳۸،۱۸۱	۱۶۳،۴۵۴،۶۹۸
۱۳۹۲	۱۸،۹۰۱،۶۸۷	۲۴۸،۴۸۳،۴۷۰

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

روابط اقتصادی جمهوری اسلامی با تاجیکستان قابل توسعه بود که به علت ظرفیت‌های پایین اقتصادی تاجیکستان، دولت‌های نهم و دهم نتوانست روابط محکمی شکل دهد. قرقیزستان: قرقیزستان دیگر کشور آسیای مرکزی است که ارزش تجاری صادرات ایران به آن همواره پایین بوده و هیچ وقت مناسبات تجاری متقابل در حد مناسب نبوده است؛ اگرچه به دلیل ضعف اقتصادی و وابستگی‌های ژئوپلیتیکی قرقیزستان، فرصت‌های خوبی برای افزایش مناسبات متقابل وجود دارد. با این حال در سال ۱۳۹۱، تنها ۳/۳ و ۱/۶ درصد از مجموع صادرات ایران به آسیای مرکزی سهم قرقیزستان بوده است (ولیعقی زاده، ۱۳۹۴: ۳۵۰). در نمودار زیر به میزان صادرات و واردات کشورمان با تاجیکستان پرداخته شده است. در نمودار زیر به میزان صادرات و واردات کشورمان با قرقیزستان پرداخته شده است.

سال	ارزش واردات ایران از قرقیزستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به قرقیزستان (دلار)
۱۳۸۸	۱۳,۰۰۰,۱۰۰	۴۵,۹۹۴,۹۰۴
۱۳۹۲	۴,۰۸۴,۷۶۰	۴۱,۸۶۰,۱۷۴

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

طرح بسیار مهم ایران موسوم به راه آهن ابریشم تا حدودی زیادی وابسته به اتصال ایران به چین از طریق قزاقستان است. گسترش خطوط کشتیرانی ایران در دریای خزر برای انتقال نفت و کالای تجاری، حول دو بندر انزلی و نوشهر در سواحل ایران و اکتائو در قزاقستان دور می‌زند. داشتن مرز مشترک آبی در منطقه استراتژیک دریای خزر، وجود منابع غنی انرژی در این منطقه و برقراری ثبات نسبی سیاسی و اقتصادی در قزاقستان، می‌تواند دلایل گسترش همکاری‌ها میان ایران و قزاقستان را توجیه نماید (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۸۰).

قزاقستان: قزاقستان ۱۷۲ میدان نفتی و ۴۲ میدان گازی در اطراف دریای خزر دارد که میزان تولید آنها در سال ۲۰۱۳ در حدود ۸۱/۸ میلیون تن بود. با این وجود، قزاقستان کشور محصور در خشکی است. هزینه حمل و نقل برای این کشور بالاست و نبود مسیرهای صادراتی تنگنای زیادی برای طرح‌های توسعه‌ای قزاقستان ایجاد می‌کند. در حال حاضر، قزاقستان صادرات نفتی خود را از راه خطوط لوله، تانکر و مسیرهای ریلی انجام می‌دهد. قزاقستان به دنبال کاهش هزینه‌های صادراتی از راه ایران است. «ایران ۵ میلیون تن از نفت خام خود را از راه بندر آکتائو صادر می‌کند. به دلیل اهمیت مبادله انرژی، قزاقستان به دنبال ساخت پالایشگاه مشترک با ایران در غرب قزاقستان است» (Urazova, 2015). در نمودار زیر به میزان صادرات و واردات کشورمان با قزاقستان پرداخته شده است:

سال	ارزش واردات ایران از قزاقستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به قزاقستان (دلار)
۱۳۸۸	۲۲۲,۷۵۱,۴۱۶	۵۷,۸۲۵,۰۵۱

۱۳۹۲	۸۳،۷۷۷،۵۴۵	۲۰۹،۶۳۹،۴۲۱
------	------------	-------------

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

در دوره احمدی نژاد علی‌رغم اینکه در سال‌های اولیه (بواسطه سیاست‌های دولت اصلاحات) شاهد توسعه صادرات غیرنفتی و تراز مثبت تجاری و نیز افزایش سرمایه‌گذاری خارجی بوده با این حال اتخاذ سیاست توسعه واردات به جای صادرات و سیاست خارجی تقابلی باعث افت سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه واردات بویژه از نوع مصرفی (تحت تأثیر درآمدهای نفتی) و کاهش رشد تولید ناخالص داخلی شده بود. همچنین در راستای سیاست‌های دولت نهم و دهم (نگاه به سایر کشورها از جمله کشورهای شرق) سعی در افزایش روابط تجاری استراتژیک و پایدار بوده که به علت اینکه سیاست تقابلی با ساختار نظام بین‌المللی در پیش گرفت و همچنین کشورهای مذکور توانایی و پتانسیل بالایی در جهت رفع نیازهای جمهوری اسلامی ایران نداشتند، عملاً دیپلماسی و روابط اقتصادی پایداری شکل نگرفت. در ادامه به دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه در دوره دولت یازدهم پرداخته شده است.

دیپلماسی اقتصادی دولت یازدهم در آسیای میانه

طی سال‌های گذشته تحریم‌ها به مانعی جدی در مسیر توسعه اقتصادی کشورهای دوست در منطقه به ویژه آسیای مرکزی و قفقاز با ایران تبدیل شده بود، اما به رغم استمرار چالش‌های ناشی از شرایط تحریم و تلاش رقبای منطقه‌ای ایران برای گسترش نفوذ خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی این منطقه، دولت یازدهم کوشید با توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی و نیز تقویت دیپلماسی عمومی، بخشی از آسیب‌های وارد شده

به مناسبات ایران و کشورهای منطقه را جبران کرده و تصویر جدیدی از "ایران در حال گذار از تحریم‌ها" را برای دولت‌ها و ملت‌های آسیای مرکزی ترسیم کند. در این رابطه، تحرک جدیدی برای تحکیم و تقویت مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی آغاز گردید. حضور رئیس جمهوری اسلامی ایران در دو اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای (سپتامبر ۲۰۱۳ در بیشکک و سپتامبر ۲۰۱۴ در دوشنبه) و نیز سفرهای دوجانبه به کشورهای قزاقستان و تاجیکستان در شهریور ۱۳۹۳، ترکمنستان در اسفند ۱۳۹۳ و قزاقستان و قرقیزستان در دی سال ۱۳۹۵ به موازات حضور دیگر مقامات ارشد سیاسی، اقتصادی و دفاعی ایران در کشورهای منطقه، بخشی از دیپلماسی جدید ایران در منطقه آسیای مرکزی به شمار می‌رود. در این بین، افتتاح خط آهن گرگان- اینچه برون- آلماتی موسوم به "خط آهن شرق دریای خزر" با حضور روسای جمهور سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و ایران در آذر ۱۳۹۳ و توافق برای از سرگیری طرح سوآپ نفت خزر که در دوره دولت قبلی تعطیل شده بود را باید از جمله طرح‌های مهم جدید اقتصادی ایران در ارتباط با آسیای مرکزی دانست. اهمیت اجرای این قبیل طرح‌های ترانزیتی از این جهت حائز اهمیت است که علاوه بر تامین منافع ملی و منطقه‌ای، بر تقویت مسیر شرقی-غربی در نقطه مقابل مسیر شمالی- جنوبی مورد نظر آمریکا تاکید دارد (سال نمای امنیت ایران، ۱۳۹۳: ۶۵۹).

در این میان، شتاب چشمگیر روند تقویت روابط اقتصادی ایران با کشورهای قزاقستان و ترکمنستان در سال‌های پس از روی کار آمدن دولت یازدهم حاکی از تمایل جدی طرفین

۱. طول این خط آهن حدود ۹۲۵ کیلومتر است که ۸۰ کیلومتر آن در خاک ایران، ۷۰۰ کیلومتر در ترکمنستان و ۱۲۹ کیلومتر در خاک قزاقستان قرار دارد و آلماتی را از طریق ترکمنستان و ایران به خلیج فارس متصل می‌سازد.

برای گسترش روابط در دوران پساتحریم و جبران فرصت‌های از دست رفته است. در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ روسای جمهور ایران و قزاقستان ۱۰ بار و ایران و ترکمنستان ۵ بار در پایتخت‌های یکدیگر یا سایر مناسبت‌ها با هم ملاقات کرده‌اند^۱ که به خوبی اهمیت روابط آنها را توضیح می‌دهد. قزاقستان به ویژه پس از انتخاب دکتر روحانی، رویکرد فعال و پویایی را در روابط با ایران در عرصه‌های مختلف به ویژه اقتصادی در پیش گرفته است. ایران و ترکمنستان نیز در جریان سفر روحانی به عشق آباد در اسفند ۱۳۹۳ هیجده سند همکاری را امضاء کردند و با برگزاری چهاردهمین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی برای دستیابی به رقم ۶۰ دلار میلیارد دلار مبادلات تجاری طی ۱۰ سال آینده هدف‌گذاری نمودند. روابط با سه کشور دیگر آسیای مرکزی یعنی ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان نیز روند رو به رشدی را از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم و دستیابی ایران به توافق هسته‌ای با کشورهای ۱+۵ شاهد بوده است. روسای جمهور هر سه کشور با همتای ایرانی دیدار و کمیسیون‌های مشترک اقتصادی فی مابین پس از سال‌ها وقفه در سال‌های اخیر برگزار شده‌اند. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که با پی‌گیری سیاست تعامل سازنده و موثر از سوی دولت یازدهم در روابط با کشورهای مختلف جهان از جمله آسیای مرکزی و با توجه به کاهش فشارهای تحریمی ناشی از توافق هسته‌ای که همسایگان شمال ایران برخلاف برخی از همسایگان جنوبی از آن استقبال کرده‌اند، اکنون ایران فرصت طلایی برای گسترش حضور خود در مناطق پیرامونی به دست آورده است (Weitz, 2015).

۱. گزارش توجیهی کشورهای ترکمنستان و قزاقستان، اداره دوم مشترک المنافع وزارت امور خارجه، خرداد ۱۳۹۵.

همچنین نک به: گزارش سفر روحانی به قزاقستان و قرقیزستان، ایرنا، دی ۱۳۹۵.

حجم مبادلات تجاری ایران و کشورهای منطقه نیز پس از روند کاهشی سال‌های پایانی دولت دهم در دوره پس از توافق هسته‌ای مجدداً در فرآیند بهبود قرار گرفت. به طوری که در سال ۱۳۹۴ به حدود ۵/۳ میلیارد دلار رسید. با توجه به آمار ارائه شده در جدول، ایران مجدداً جزو ۱۰ شریک اول تجاری قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان قرار گرفت. سیاست منطقه‌ای دولت روحانی به دنبال آن است تا در دوره پساتحریم، عقب ماندگی ایجاد شده در زمینه گسترش ظرفیت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی را جبران نماید. هر چند برجام به طور رسمی و قانونی بسیاری از موانع توسعه ارتباطات اقتصادی خارجی ایران را از سر راه برداشته، اما کشورهای غربی هنوز از وارد شدن به تعاملات کامل و همه جانبه با ایران احتیاط می‌کنند. در چنین فضایی، تعریف برنامه‌های کلان اقتصادی با محوریت همسایگان بهترین راهبردی است که ایران می‌تواند در پیش بگیرد. حوزه همسایگان شمالی از بهترین موقعیت برای این منظور برخوردار است (عزیزی، ۱۳۹۵).

نام کشور	حجم کل تجارت	صادرات ایران	واردات ایران	توضیحات
قزاقستان	۱۱۵۰	۲۱۵	۲۱۴	ایران جزو ۱۰ شریک اصلی تجاری
ترکمنستان	۳۷۰۰	۱۰۰۰	۲۷۰۰	افزایش تجارت به ۶۰ میلیارد دلار در ۱۰ سال آتی / ایران چهارمین شریک تجاری
تاجیکستان (۱۳۹۳)	۲۰۰	۱۷۰-۱۵۰	۲۳	روند کاهشی در سال‌های ۹۴-۱۳۹۱ ایران جزو پنج شریک اول تجاری
ازبکستان	۲۵۰	۱۰۳/۸	۱۴۰/۵	توافق برای افزایش به یک میلیارد دلار
قرقیزستان	۴۱	۳۷	۴	ایران جزو ۱۰ شریک اصلی تجاری نیست

مبادلات تجاری کشورهای آسیای مرکزی با ایران (میلیون دلار)؛

منبع: وزارت خارجه: ۱۳۹۵.

در ادامه به ارائه نتایج دیپلماسی اقتصادی دولت یازدهم با کشورهای آسیای میانه پرداخته شده است:

ترکمنستان: طبق آمار ذکر شده در دولت یازدهم به علت داتشن نگاه به غرب، از توجه به سایر کشورهایی که در دولت‌های نهم و دهم بوجود آمده بود، غفلت و کمتر مورد توجه قرار گرفت و باعث کاهش چشمگیر واردات و صادرات نسبت به دولت دهم شد.

سال	ارزش واردات ایران از ترکمنستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به ترکمنستان (دلار)
۱۳۹۶	۱۲،۷۷۲،۴۰۷	۴۱۷،۹۶۱،۴۵۶

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

ازبکستان: روابط با کشور ازبکستان هم در راستای نگاه به غرب که در دولت یازدهم بوجود آمد و گفتگو با کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای هم دستخوش کاهش روابط تجاری نسبت به دولت قبل شد.

سال	ارزش واردات ایران از ازبکستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به ازبکستان (دلار)
۱۳۹۶	۶۱،۱۳۵،۷۷۱	۹۸،۳۳۷،۸۱۹

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

تاجیکستان: در دولت یازدهم روابط و تراز مثبت تجاری با کشور تاجیکستان گسترش یافت اما با کاهش شدید واردات از کشور تاجیکستان روبه رو هستیم. که علت آن را هم می‌توان ضعف اقتصادی و زیر بنایی در این کشور نام برد. اما باید گفت که روابط محکمی علی‌رغم افزایش صادرات در این دولت به کشور تاجیکستان صورت نپذیرفت.

سال	ارزش واردات ایران از تاجیکستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به تاجیکستان (دلار)
۱۳۹۶	۱۳,۶۶۶,۲۹۲	۲۱۷,۲۴۴,۳۹۱

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

قرقیزستان: به علت ضعف اقتصادی در این کشور، علاوه بر دولت‌های نهم و دهم، دولت یازدهم هم نتوانست روابط چندان خوبی در زمینه اقتصادی با این کشور داشته باشد. اما باید گفت به علت اینکه در دولت یازدهم تاکید بیشتری بر روابط با کشورهای فرامنطقه‌ای شده بود، سطح تراز تجاری که در دولت‌های نهم و دهم بود وجود آمده بود در دولت یازدهم کاهش پیدا کرد.

سال	ارزش واردات ایران از قرقیزستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به قرقیزستان (دلار)
۱۳۹۶	۶,۰۵۵,۸۸۷	۳۸,۶۵۰,۵۴۱

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

قزاقستان: در روابط دولت یازدهم با کشور قزاقستان هم می‌توان گفت علی‌رغم ویژگی‌ها و پتانسیل‌های کشور مزبور، روند کاهشی را در روابط تجاری (به علت گرایش به غرب) شاهد هستیم.

سال	ارزش واردات ایران از قزاقستان (دلار)	ارزش صادرات ایران به قزاقستان (دلار)
۱۳۹۶	۶۶,۶۳۸,۱۲۸	۱۶۷,۹۸۵,۵۵۱

منبع: اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>

عضویت در اتحادیه اوراسیا به منزله یک فرصت راهبردی

هر چند تاریخ عضویت ایران در اتحادیه اوراسیا مربوط به آذرماه ۱۳۹۷، و خارج از موضوع نوشتار است اما تلاش برای تحقق این توافقنامه مربوط به اواخر سال ۱۳۹۴ است. سال ۱۳۹۴ مذاکرات فشرده‌ای بین دولت‌های ایران با پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی

اوراسیا جهت ایجاد منطقه موقت آزاد تجاری برای یک دوره سه ساله آزمایشی صورت گرفت که سرانجام موافقت‌نامه مذکور، در ماه می ۲۰۱۸ میلادی (اردیبهشت ماه ۱۳۹۷) در شهر آستانه پایتخت قزاقستان امضا شد.

این توافق که بعد از دو سال مذاکره به نتیجه رسیده، از هفته اول آبان ۹۸ ماه اجرایی خواهد گردید و قرار است موافقت‌نامه تمام عیار تجارت آزاد با اوراسیا امضا شود که براساس آن از سه سال دیگر تقریباً تمام کالاها مشمول کاهش تعرفه خواهند شد. براساس این موافقت‌نامه، ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیا امتیازات گمرکی خاصی دریافت کرده و کشورهای این اتحادیه هم این امکان را خواهند داشت تا حجم صادرات خود به ایران را تا ۷۵ درصد افزایش دهند. ایران نیز می‌تواند با امتیازاتی که دریافت می‌کند، صادرات کالاهای خود به مقصد پنج کشور اوراسیایی را تا چند برابر افزایش دهد (مهر، ۱۳۹۸).

از مزایای پیوستن ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌توان به ایجاد پل ارتباطی برای اتصال به بازار با بیش از ۱۸۰ میلیون نفر و بازار بالقوه‌ای برای افزایش صادرات کشور اشاره کرد. همچنین تنها روسیه، یعنی بزرگ‌ترین کشور اتحادیه اوراسیا بازاری ۱۴۰ میلیون نفری پیش روی تجار ایرانی قرار می‌دهد. همچنین با عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فرصتی برای استفاده از ظرفیت‌های کشور و به طور خاص بندر بندر چابهار ایجاد شده است.



شکل شماره ۱- ظرفیت بندر چابهار پس از پیوستن ایران به اتحادیه اقتصادی

اورآسیا (منبع: ایرنا، تاکید از محقق)

تشکیل اولیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۴ میان کشورهای روسیه، بلاروس و قزاقستان منعقد و جایگزین اتحادیه گمرکی اوراسیا شد. کشورهای عضو اورآسیا هم اکنون ۲۰ میلیون کیلومترمربع مساحت و بیش از ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت دارند. از مهم‌ترین اهداف این اتحادیه اقتصادی می‌توان به تسهیل تجارت، ایجاد بازار مشترک در حوزه کشورهای مستقل هم سود عضو، حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه، برقراری تعرفه خارجی مشترک در میان کشورهای عضو و هماهنگ‌سازی تشریفات گمرکی اشاره کرد (ایرنا، ۲۰۱۹). ترکمنستان به عنوان یک پل بین ایران و اعضای اتحادیه اقتصادی اورآسیا مطرح است که نقشی اساسی در اتصال بندر چابهار به کشورهای عضو ایفا می‌کند.

نتیجه گیری

بررسی اولویت‌ها و برنامه‌ها و عملکرد سیاست خارجی دولت احمدی نژاد نشان می‌دهد که سیاست خارجی این دولت به طور عام و دیپلماسی اقتصادی آن به طور خاص با دو چالش اصلی مواجه بود؛ چالش مفهومی و چالش کارکردی. چالش اول دارای وجه ادراکی بوده و به عدم شناخت و درک درست از مناسبات بین‌المللی و ماهیت نظام بین‌الملل مربوط می‌شد. از نظر رئیس جمهور، نظام سرمایه‌داری جهانی یک نظام سلطه‌گر و استکباری بود که می‌باید با اتخاذ یک سیاست خارجی تهاجمی در مقابل زیاده‌خواهی‌های آن ایستاد و به اصلاح آن پرداخت. طبیعتاً در چنین رویکردی، دیپلماسی اقتصادی که در چهارچوب سیاست ملایم و وابستگی‌های متقابل اقتصادی و تعامل اقتصاد داخلی با نظام اقتصاد جهانی قابل پیگیری و اجراست، نمی‌توانست جایگاهی داشته باشد. لذا آن چه به نام دیپلماسی اقتصادی مطرح می‌شد، در واقع برداشت و تلقی از یک سلسله مفاهیم و موضوعات شکلی و شعاری بود که صرفاً نیازهای روزمره روابط اقتصادی خارجی به ویژه دور زدن تحریم‌ها را رفع و رجوع می‌کرد. به همین دلیل، موضوعاتی مثل: جذب سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش تجارت خارجی، در سیاست خارجی متأثر از چنین برداشتی جایگاه چندانی نداشت.

در سوی مقابل، هرچند شرایط و جهت‌گیری دوران جنگ تحمیلی امکان توجه به اهداف اقتصادی در سیاست خارجی را فراهم نمی‌کند، تلاش‌هایی که در زمینه استفاده از ابزار سیاست خارجی برای پیشبرد اهداف اقتصادی و توسعه‌ای کشور از دوران سازندگی آغاز شد، در دولت اصلاح طلب خاتمی به نقطه قابل اتکایی رسید و در دولت احمدی‌نژاد نیز با رویکرد متفاوتی دنبال گردید، در مجموع دستاوردهای مثبت و تاثیرگذاری را برای

کشور به همراه داشته است. به همین دلیل، دیپلماسی اقتصادی این دولت‌ها علی‌رغم رویارویی با چالش‌های مهم ساختاری و کارگزاری در عرصه دیپلماسی اقتصادی، به موفقیت‌های نسبی در تحقق اهداف ترسیم شده دست یافتند. هرچند این تلاش‌ها به نهادینه کردن جایگاه و تفکر دیپلماسی اقتصادی در وزارت امور خارجه نیا انجامید. در همین حال، دولت روحانی نیز اصل کلی برنامه سیاست خارجی خود را تعامل مؤثر و سازنده با جهان قرار داد. دولت مذکور با بهره‌گیری از تجربه دولت‌های گذشته در عرصه دیپلماسی اقتصادی و با درک این مسأله که برچیدن تحریم‌ها به عنوان پیش نیاز توسعه اقتصادی کشور جز با اتخاذ یک سیاست خارجی تعامل‌گرا و اولویت بخشی به اقتصاد در عرصه سیاست داخلی و خارجی امکان‌پذیر نیست، سیاست خارجی خود را اقتصاد محور و هدف آن را کمک به توسعه و رفاه ملی اعلام کرد. اما در عمل ما شاهد کم‌توجهی به روابط با سایر کشورهایی که در نظام بین‌الملل بغیر از کشورهای غربی و فرامنطقه‌ای که وجود دارند هستیم و طبق آماری که مشاهده شد، در دولت یازدهم بیشتر به رفع موانع و مذاکره و ایجاد روابط با کشورهای مورد نظر پرداخته شد و این امر باعث شد که سایر کشورهای دیگر در قلمرو دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران کمتر مورد توجه قرار گیرد و روابط مستحکم و پایداری شکل نگیرد. هر چند عضویت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه اورآسیا مربوط به سال ۱۳۹۷ است اما این اقدام دولت را می‌توان اقدامی مناسب جهت تقویت دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای سالهای آتی دانست.

در مجموع، طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ شاهد دیپلماسی اقتصادی متأثر از نگاه سیاستمداران بوده‌ایم. نتیجه این موضوع داشتن نگاه مقطعی و عدم استفاده از ظرفیت حداکثری در این زمینه بوده است. در واقع ریشه عدم شکوفایی و دیپلماسی اقتصادی

حداکثری را می‌توان در داشتن قطبی‌نگری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. ماحصل رویکرد تقابلی با ساختار نظام بین‌الملل طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ باعث فشار آمریکا و متحدان غربی آن برای فشار اقتصادی بیشتر بر کشور بود. از سوی دیگر طی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ رویکرد دولت تعامل و مذاکره با آمریکا و قدرتهای بزرگ بود که منجر به بهره‌اندک از ظرفیتهای اقتصادی کشورهای آسیای گردید.

در پیش گرفتن سیاست خارجی با اولویت اقتصادی و مطابق با مفروضات وابستگی متقابل می‌تواند الگویی مناسب جهت بهبود روابط با کشورهای آسیای میانه باشد. در راستای وابستگی متقابل، ایران از طریق خشکی (ترکمنستان) و آبی (دریای خزر) با کشورهای آسیای مرکزی ارتباط دارد. موقعیت و ویژگی‌هایی جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به شکلی است که با یکدیگر دارای نوعی وابستگی ژئوپلیتیکی هستند. که شامل وابستگی منافع و اهداف ملی یک کشور یا بازیگر سیاسی به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و بازیگران سیاسی دیگر است. این وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است. تغییر ساختار با تاکید بر کارکرد اقتصادی، ارزیابی عملیاتی اجرای سیاست خارجی با تمرکز بر دستاوردهای اقتصادی، تنش‌زدایی با نگاه دستاوردهای اقتصادی، افزایش رابطه با کشورهای دارای مزیت اقتصادی و انتخاب سفرای توانمند از مهمترین پیشنهادات جهت ارتقای دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه است. با وجود دارا بودن معاونت دیپلماسی اقتصادی در ساختار وزارت خارجه سیاست خارجی ایران در استخدام افزایش ثروت اقتصادی و مالی ایران قرار ندارد.

منابع

- ۱) امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳). «تعامل فرهنگی میان ایرانیان و ترکان در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۸.
- ۲) احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). **سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی**، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوسیتی چی، تهران: انتشارت مرکز اسناد انقلاب.
- ۳) «اصول، اهداف و برنامه‌های سیاست خارجی دولت نهم» (۱۳۸۴). **روزنامه شرق**، ۲۳ تیر.
- ۴) امینی، آرمین و انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۸). «دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۸.
- ۵) باری، آکسفورد (۱۳۷۸). **نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۶) حاجبانی، ابراهیم و ایرانشاهی، حامد (۱۳۹۳). **درآمدی بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی تهران**: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۷) دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۸۸). **دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۸) دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت.
- ۹) دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۴) «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲۹.
- ۱۰) رنجبر، مقصود (۱۳۸۵) «ارزیابی سیاست خارجی دولت نهم»، گزارش راهبردی، به شماره: ۲۵۳-۱-۱-۱۳۸۵، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱) سایت اتاق بازرگانی <http://www.tccim.ir>
- ۱۲) سنایی، مهدی (۱۳۹۰). **روابط ایران و آسیای مرکزی روندها و چشم‌اندازها**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۳) صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۹۳). **دیپلماسی فرهنگی و رایزن فرهنگی تهران**: گروه انتشارات الهدی.

- ۱۴) طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۸). «بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، شماره دوم.
- ۱۵) طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۲). «ما و بحران»، **نشریه برداشت اول**، شماره ۲.
- ۱۶) طلایی، محسن (۱۳۸۸). دیپلماسی اقتصادی در دولت نهم، **(مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل) مجموعه مقالات**، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- ۱۷) ظریف، محمدجواد (۱۳۹۲). **برنامه سیاست خارجی**، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۸) ظریف، محمدجواد (۱۳۹۶) «رویکرد و برنامه سیاست خارجی دولت دوازدهم»، ۱۵ مرداد، قابل دسترسی در www.mfa.gov.ir
- ۱۹) عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۵). «منافع ایران، روسیه و آذربایجان در نشست باکو»، ایراس، ۱۸ مرداد، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۹/۱۰، قابل دسترسی در: www.iras.ir
- ۲۰) قوام، سیدعبدالعلی، و بهرامی، سیامک (۱۳۹۲). «حکمرانی جهانی وضعیت و نظریه مسلط در جهان معاصر»، **فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل**، دوره ۳، شماره ۸، تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۳۵-۹.
- ۲۱) «گزارش بانک مرکزی از تحولات اقتصادی ایران» (۱۳۹۶). قابل دسترس در سایت: www.cbi.ir
- ۲۲) «گزارش‌های سه ماهه وزارت امور خارجه از اجرای برجام به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی»، گزارش دوم، (۱۳۹۵/۴/۲۶)، گزارش هفتم (۱۳۹۶/۷/۲۶). بازبانی شده ۱۳۹۷/۱۰/۲۳ <http://www.mfa.gov.ir>
- ۲۳) مرشایمر، جان (۱۳۸۸). **تواژدی سیاست قدرت‌های بزرگ**، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: خارجه وزارت امور خارجه.
- ۲۴) منصوری مقدم، جهانشیر و اسمعیلی، علی (۱۳۹۰). **تحلیلی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد از منظر مدل پیوستگی «جیمز روزنا»**، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار.

۲۵) موسوی شفايي، مسعود (۱۳۸۸). **دیپلماسی اقتصادی، ابزار نوین سیاست خارجی در**

عصر جهانی شدن، به کوشش محمود واعظی، تهران: مرکز تحقیقات.

۲۶) واعظی، محمود (۱۳۸۷). «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا»،

مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، ترجمه محمود واعظی، چاپ اول، تهران:

مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲۷) وایت، برایان (۱۳۸۳). **دیپلماسی، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر**

نوین (مجموعه مقالات)، گردآوری استیو اسمیت و جان بیلینس، ترجمه ابوالقاسم راه

چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.

۲۸) ون برژیک، پتر (۱۳۹۴). «کاوشی نو در دیپلماسی اقتصادی»، ترجمه علی عرب صالحی

نصرآبادی، **فصلنامه اقتصادی**، شماره ۳ و ۴.

۲۹) هرزیک، ادموند (۱۳۸۲). «ایران و آسیای مرکزی»، در: **امنیت آسیای مرکزی؛**

رویکردهای نوین بین‌المللی، روی آلیسون و لنا جانسون (ویراستاران)، ترجمه محمدرضا

دبیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.

30) Baranay, P (2009). Modern Economic Diplomacy. Available at: http://www.1v/mi/Baranay_Pavol_eng1.pdf

31) Bayne, N and S. Woolcock (2010). the New Economic Diplomacy, Decision-making and Negotiation in International Economic Relation. Farnham, Surrey, England; Burlington, Ashgate.

32) ECO Statistical Report (2015), Available at: www.ecosecretariat.org, Accessed on: 7/01/2016.

33) Gore-Booth, Lord (1979). Satow's Guide to Diplomacy Practice , Longman

34) Kishan , Richard (2000). Inside Diplomacy, New Delhi: manas printing

35) Robert, Jervis (2002). Theories of War in an Era of Leading Power Peace, American Political Science Review, 96(1):1۱۴ -.

36) Rana, K. S (2007). Economic Diplomacy: The Experience of Developing Countries, In The New Economic Diplomacy, Decision-Marking and Negotiation in international relations, N. Bayne and S. Woolcock, the London school of Economics and Politics science, UK.

37) Saner, R and L. Yiu (2003). International Economic Diplomacy: Mutations in Post-Modern Times. Netherlands Institute of International

- 38) Gill, Stephen and Law, David (1988). *The Global Economy: Perspectives, Problems and Policies*, Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf.
- 39) Jervis, Robert (1999). "Realism, Neoliberalism, and Cooperation: Understanding the Debate", *International Security*, Vol2.
- 40) Nye, Joseph (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.
- 41) Joseph S. Nye, Jr. (1987). "Nuclear Learning and U.S - Soviet Security Regimes," *International Organization*, Vol. 41, (Summer), pp.372-374.
- 42) Keohene, Robert O (1993). *The Bnalysis of international Regimes: Towards a European American research Programme*, ed., op cit.
- 43) Keohene, Robert O (1989). *international institutions and state power*. Boulder Colo: Westviow Press
- 44) Weitz, Richard (2015). "Iran's Empowerment in Central Asia and the Southern Caucasus", *the CACI Analyst*, October, Available at: www.cacianalyst.org, Accessed on: 7/11/2016.